

فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

او را در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَأَخْلِلْ عُنُقَدَةً

مِنْ لَيْسَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کره!

او زما امر (درسالت) راته آسان کره! او زما

له ژبی خخه غوته پرانیزه! چی (خلک) زما په

خبرو (نبه) وپوهیږي"

اکتوبر 2024

ربیع الثانی/جمادی الأول

شماره سه صد و بیست و پنجم

مسائل و احکام فقه

بررسی قانون وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر

25 محرم الحرام سال 1446 هجری قمری (10) اسد

سال 1403 هجری شمسی

(قسمت اول)

امر به معروف و نهی از منکر

امر بالمعروف و نهی عن المنکر ، وظیفه هر مسلمان

عادل، بالغ و با فهم از نصوص اسلامی و مقاصد

شریعت و روش حیات و زندگی مردم با در نظر داشت

شرایط معاصر جامعه ای که در آن زندگی دارد

میباشد. قابل تذکر است که امر بالمعروف و نهی عن

المنکر تنها اختصاص به مسلمانان ندارد، در تمام

جوامع انسانی از قدیم الزمان تا امروز قوانین باین

منظور وجود دارد. امر بالمعروف و نهی عن المنکر در

امریکا و اروپا قانون خاص بخود دارد و عملاً اجراء می

شود، اما یک وزارت باین نام نیست. در عصر حاضر

مؤسسات زیاد تأسیس شده و لزوم به وزارت مستقل با

بودجه زیاد و مامورین نیست. وزارت فرهنگ وظیفه

اصلاح میدیا را دارد و سیاست میدیا را این وزارت می

سازد. امر بالمعروف صلاحیت اصلاح میدیا را در عصر

حاضر ندارد. ساختن مواد درسی از حق وزارت معارف

و تحصیلات عالی است نه از حق وزارت امر
بالمعروف و نهی عن المنکر. اگر دست کارکنان
وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر را آزاد
گذشت در آینده دولت در داخل دولت بوجود می آید
و مشکلات بیشتر می شود.

قضیه امر بالمعروف و نهی عن المنکر در این روزها
بیکدیگر از قضایای بسیار مهم و خطرناک تبدیل شده ،
مهمترین مورد در این قضیه تغییر منکر با استعمال
قوت میباشد ، و سؤال مطرح میشود که کدام جهت
حق تغییر را و در کدام وقت دارد؟ بعضی باین نظر اند
که تغییر تنها حق ولی امر و از وظایف دولت است نه
وظیفه افراد، و اگر از حق افراد باشد بی نظمی در
جامعه پیش می آید.

گروهی که تغییر را حق فرد و یا افراد میدانند به
حدیث که امام مسلم در صحیح خود از ابی سعید
الخدری روایت کرده استنباط می کنند. « من رأی
منکم منکرا فلیغیره بیده، فمن لم یستطع فبلسانه،
فمن لم یستطع فبقلبه، و ذلک أضعف الإیمان». حدیث
مبارک تغییر را بالای هر مسلمان واجب می
سازد. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: هر یک
از شما منکری را دید باید با دست خود آن را تغییر
دهد. اگر نتوانست ، با زبانش تغییر دهد (اعتراض
کند) و باز اگر نتوانست ، در قلبش آن را آنکار کند و

صواب و یا با تغییر زمان و مکان و عرف و حال تغییر کند.

فقهاء در حکم تصویر (فوتو، عکس) موسیقی، روی زن، تولی زن قضاء با هم اختلاف دارند، در صورت اختلاف در رأی فقهی لازم نیست دیگران را با استفاده از فشار مجبور به قبول کرد.

منکری را که واجب است با استفاده از قوت تغییر داد، باید منکر ثابت و علماء به آن اتفاق نظر داشته باشند، در غیر آن دروازه شر و فتنه باز می شود.

شرط دوم: منکر ظاهر باشد

باید منکر ظاهر باشد، اما اگر انسان منکر را در خفا و سری انجام میدهد، جواز ندارد که در مورد آن تجسس کرد و آله تجسس و کمره را گذاشت و یا به منزل شخص داخل شد. حدیث مبارک در این مورد واضح است (من رأی) یعنی کسیکه منکر را به چشمان خود ببیند.

{الدكتور يوسف القرضاوى، احكام الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر} برای مطالعه بیشتر به سایت القرضاوى مراجعه شود.

قانون دراصل برای تنظیم جامعه به هدف آسان ساختن زندگی برای مردم میباشد، نه به هدف مقید ساختن آزادی های فردی و روابط اجتماعی. متأسفانه قانون امر بالمعروف و نهی عن المنکر زندگی را برای مردم مشکلتر می سازد و در بدل آسانی، سختی را بوجود می آورد که این روش مخالف صریح سنت نبوی صلی الله علیه و سلم می باشد. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: «یسروا ولا تعسروا»، آسانی کنید و سختی نکنید.

فقهاء و علماء قانون متفق نظر اند که قانون به تنهایی ضامن اصلاح اخلاق جامعه نیست؛ تربیه و تعلیم قبل از قانون میباشد و تجربه نشان داده که قانون و تطبیق عملی آن در تربیه دینی و دنیوی افراد جامعه

این ضعیف ترین مرحله ایمان است. با قلب را مفسرین و علماء کرام تفسیر میکنند که منکر را زشت بدانند و همکاری با منکر نکنند.

امر بالمعروف و نهی از منکر از فرائض اسلام است، آیه (110) آل عمران فرضیت آنرا تثبیت میکند. «کنتم خیر امة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله». شما (ای امت محمد صلی الله علیه و سلم) بهترین امتی هستید که به خیر انسانها آفریده شده است به معروف (نیکی و واجبات شرعی) امر مینمائید و از منکر (بدی و منهیات شرعی) نهی میکنید و به خدا ایمان دارید.

و آیه 112 سوره التوبه یکی از صفات اساسی مؤمنین را امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر می داند. «الأمرون بالمعروف و الناهون عن المنکر».

مرحوم علامه دکتور یوسف القرضاوی شروط تغییر منکر را اینطور بررسی می کند:

شرط اول: اجماع به حرمت آن باشد:

یعنی منکر درحقیقت حرام باشد: منکراً ولاً با دست تغییر داده شود، باز با زبان و اخیراً با قلب در صورت ناتوانی. منکر نیست مگر آنچه که (حرام) باشد، چه حرام از جمله کبائر و صغائر باشد، خداوند میفرماید: «إن تجتنوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم مدخلاً کریماً» (النساء: 31). اگر از گناهان کبیره که از آن نهی شده اید پرهیزید ما از دیگر بدی های شما در گذریم و شما را به جایگاه آبرومندی (بهشت) داخل سازیم.

مکروهات، ترک سنن و مستحبات داخل منکر نیست فقط گناهان کبیره چه کبیر و چه صغیر داخل منکر میباشد. پس لازم است که منکر به درجه (حرام) باشد یعنی انکار از نصوص محکم شرعی باشد، انکار آن بمجرد رأی یا اجتهاد که ممکن است در خطاً باشد یا

قاضی، سارنوال و وکیل مدافع را محدود کرده و برای محتسب حق زندانی کردن را نیز داده که این حق قاضی و محکمه است. در روشنی صلاحیت‌های که قانون به محتسب داده، محتسب را میتوان بنام پولیس اخلاق شناخت نه مامورین امر به معروف و نهی از منکر.

قانون جدید، تفاوت شرایط قرنهای گذشته را با عصر حاضر مد نظر ندارد، یک حکم در گذشته برای اصلاح جامعه ممکن مفید می بود، اما در عصر حاضر ممکن مضر باشد و سبب فتنه و فساد بیشتر شود.

بهبتر بود تا قانون جدید قبل از توشیح امیر المؤمنین طبع و برای علماء فقه اسلامی و دانشمندان حقوق سپرده می شد تا رأی و نظرشان را تحریر میکردند، و بعد از بررسی و نقد توشیح می شد. هنوز وقت است و باید استفاده شود، نظریات فقهاء و حقوقدانان گرفته شود و قانون اصلاح شود. هر کتاب و قانون بغیر از قرآن کریم و قول و سنت صحیح رسول صلی الله علیه وسلم قابل تجدید، اصلاح، نقد، قبول و رد میباشد، وزارت عدلیه قبل از اینکه مشکل بیشتر شود، امر به تجدید نظر را صادر کند و قانون مطابق شرایط زمان و مکان و حالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی جامعه معاصر ترتیب و تنظیم شود.

در قانون جدید، شکل لباس، خوردن و نوشیدن، روابط اجتماعی بین مردان و زنان و زنان و زنان و مسلمانان و غیر مسلمانان تعیین شده، این نوع تعیینات خصوصاً در روابط مشروع اجتماعی و رابطه با غیر مسلمانان که امروز ازدواج با دختران شان صورت گرفته و روابط سیاسی و اقتصادی بین کشورهای اسلامی و کشورهای غیر اسلامی بوجود آمده، مشکلات اجتماعی را در جامعه و مشکلات بزرگ را در روابط سیاسی و اقتصادی بین کشور

نتیجه نمی دهد. ثابت است که تطبیق قانون مشکلتر از تدوین آن است.

همچنان مجالس فقهی در جهان اسلام متفق النظر اند، که یک مذهب در شرایط امروزی جوابگو برای حل مشکلات مسلمانان بوده نمی تواند، مذاهب معتبر اسلامی در مجموع با اجتهادات مؤسسات اسلامی میتواند حل مشکلات مسلمانان معاصر باشد.

قانون جدید وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر، شرایط زمان و مکان را مد نظر ندارد، و تأکید دارد که قانون در جامعه دو مذهبی، تنها باساس فقه حنفی میباشد. استفاده از مذهب حنفی نیز مشکلات خود را در تدوین قانون دارد، علماء که قانون جدید را تدوین کرده اند، اجتهادات معاصر اسلامی حتی داخل مذهب حنفی را نیز مد نظر نداشتند و تنها به اجتهادات و فتواهای قرنهای قبل اکتفاء کردند. اجتهادات گذشته بدون شک و تردید در وقتش بسیار مهم و قابل اجراء بود، اما در عصر حاضر قابل تطبیق نمی باشد، باید قانون جدید به اجتهادات معاصر بیشتر توجه میداشت. کمیته قانون گذاری به فقه مصلحت، فقه ضرورت، فقه اولویات، فقه احتیاجات، فقه معاصر، فقه حال، فقه سیاسی، فقه مرحله و غیره ابواب فقه توجه نکرده و آن نظر و رأی را گرفته که در وقت حاضر قابل اجراء و تطبیق عملی نمی باشد. در بسا موارد رسم و رواجها خصوصاً در مورد زنان و معاملات اقتصادی و مسائل هنری و فرهنگی ارجعیت بیشتر نسبت به نصوص شرعی دارد.

قانون جدید در (110) صفحه میباشد، هیچ قانون حتی قانون اساسی کشورها با این بزرگی و حجم نیست، ممکن بود قانون را در ده صفحه ترتیب داد و تفسیرات مواد آن را در کتاب جداگانه زیر عنوان مباحث فقهی آورد.

قانون دست محتسب را باز گذاشته و برای محتسب صلاحیت‌های بیشتر از لزوم را داده است، و صلاحیت

صفحات 421 تا 427 ، دارالفکر بدمشق 1427 هجری / 2006 میلادی .

در تطبیق عقوبت تعزیری مصحلت جامعه در زمان تطبیق آن مدار اعتبار میباشد. تعزیر در تمام انواع جرائم و اعمال ممنوعه تأدیبه و زجر را می خواهد ، بغیر از حدود و قصاص.

جرائم در نظر شریعت محدود نیست ، و انواع مختلف و در زمانهای مختلف اشکال مختلف را دارد به همین منظور شریعت عقوبت یا جزاء تعزیری را به ولی امر مسلمین گذاشته تا مطابق زمان و مکان تعیین کند . و حاکم صلاحیت دارد تا در یک عمل جزاء مختلف را نسبت به اشخاص مختلف و درجه تأثیر شان بالای جامعه صادر کند . { فتح القدر ، و شرح الكنز للزیلعی ، باب التعزیر ، و الدر المختار و رد المحتار 179/3 ، } از تعریف فوق باین نتیجه میرسیم که تطبیق احکام تعزیر از صلاحیت ولی امر مسلمین و قاضی با در نظر داشت شرایط محیط ، عصر و درجه منکر میباشد نه از صلاحیت های مامورین امر بالمعروف و نهی عن المنکر .

فقهاء مذهب حنفی در مورد درجات تعزیر می گویند که اعلی ترین جزاء یا عقوبت تعزیر اعدام است ، اگر جرم بزرگ باشد و ضرورت باشد تا آنرا سرکوب یا خاموش ساخت . در این مورد اجتهاد فقهای حنفی مطلق و ثابت است .

{ رد المحتار 179/3 ، برای تفصیلات بیشتر مراجعه شود : مصطفی أحمد الزرقاء ، المدخل الفقهي العام ، الجزء الثاني ، طبعة عاشره 1387 هجری / 1968 میلادی ، فصل الفرع الثاني ، صفحات 626 - 629 . و همچنان : الماوردی ، الأحكام السلطانية ، فصل التعزیر . }

قانون جدید انواع و اقسام جرائم که حکم تعزیری را میخواهد شرح نداده است ، و تعیین جرائم را به صلاحیت محتسب گذاشته است و حق تعزیر از قاضی و محکمه سلب شده و حق تطبیق تعزیر را نیز برای محتسب میدهد . این امر حالت بی نظمی قانونی

اسلامی و غیر اسلامی بیشتر میسازد و از صلاحیت وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر نیست که روش زندگی مردم را به نیابت از مردم و روابط مسلمانان را با غیر مسلمانان تعیین و انتخاب کند . از جانب دیگر شرایط اجتماعی و جغرافیوی داخل افغانستان نسبت به چند دهه کاملاً تفاوت کرده و روش زندگی و روابط اجتماعی امروز با مقارنه با چند دهه تفاوت دارد . ممکن یک عمل در قریه زشت و غیر قابل قبول باشد و در شهر ها قابل پذیرش باشد ، مثل پوشیدن کلاه در قریه یک عمل خوب و پسندیده است در حالیکه در شهر های بزرگ اکثر مردم کلاه ندارند .

قانون بین رسم و رواج و عادات افراد جامعه و اصل اسلام تفاوت نکرده و رسم و رواج جامعه را اسلام معرفی کرده ، بطور مثال برقه و نقاب که رسم و رواج افغانی قدیم است آنرا حجاب شرعی معرفی می کند .

برای شرح بیشتر و نقد بحث فقهی بعض مواد آن ذکر و مشکلات و نواقص آنرا در روشنی آیات قرآن کریم و سنت نبوی شریف و آراء فقهاء خصوصاً فقهای مذهب حنفی بیان و پیشنهادات اصلاحی به وزارت عدلیه و وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر تقدیم می شود ، امید است شنیده شود و اگر صحیح باشد قبول فرمایند .

9- تعزیر :

تعزیر را قانون به این عبارات تعریف کرده : تأدیبه است که مطابق احکام شریعت اسلامی و این قانون ، توسط محتسب در حالت انجام منکر علنی در حق الله ، تطبیق می شود . (الموسوعة الفقهية جلد 25 ، ص 296) .

فقهاء تعزیر را اینطور تعریف می کنند : تعزیر در لغت به معنای تادیب ، تنبیه ، و تأدیبه است . در فقه اسلامی ، تعزیر به نوعی از مجازات گفته میشود که مقدار و نوع آن در شرع مشخص نشده است و به نظر حاکم شرعی (رئیس دولت) یا قاضی واگذار شده است . (الدکتور وهبة الزحيلي ، الوجيز في الفقه الاسلامي ، الجزء الثاني ،

- (2) پنهان کردن روی زن به سبب ترس از فتنه ضروری است.
- (3) صدای زنان (بلند خواندن آهنگ ها، نعت ها و قرائت در مجمع) عورت است.
- (4) زنان مسلمان مکلف اند که بدن و روی خویش را از مردان نامحرم پنهان کنند.
- (5) ستر زنان مسلمان و صالح از زنان کافر و فاسق از ترس فتنه واجب است.
- (6) نظر کردن مردان بالغ و بیگانه به بدن و روی زنان و نظر کردن زنان بالغ به مردان بیگانه حرام است.
- (7) هرگاه زن بالغ برای حاجت ضروری از خانه خویش بیرون شد، مکلف است که صدا، روی و بدن خود را ستر نماید.

فقره هفتم دو قسمت در یک جمله است، (اگر) از حروف شرطیه است، به این معنی که اگر ضرورت نباشد، زن حق خارج شدن از منزل را ندارد، و اگر ضرورت بود باید در وقت تعامل با مردان حرف نزد و روی و بدن خود را ستر کند.

این فقره کاملاً مخالف به (99) قاعده فقهی که تمام مذاهب اسلامی به آن اعتماد دارند میباشد. قاعده فقهی به این عبارت داریم: «الضرورات تبيح المحظورات». به این معنی که در شرایط اضطراری، انجام امور ممنوع (محظورات) مجاز می شود. به عبارت دیگر زن در وقت خارج شدن از منزل برای اجرایی عملی میتواند حرف بزند و لازم نیست روی و دستان و هر دو کف پا را بپوشاند. این حکم شامل رفتن به مدرسه، پوهنتون، بیمارستان، دیدن اقارب، زیارت مریضان و غیره ضرورت های انسانی و اجتماعی میشود.

{ الشيخ أحمد بن الشيخ محمد الزرقا، شرح القواعد الفقهية، دار القلم دمشق الطبعة الثانية 1422 هجری / 2001 میلادی، القاعدة العشرون (المادة 21 /) .}

القواعد الفقهية هي: اصول فقهية كلية في نصوص موجزة دستورية تتضمن أحكاماً تشريعية عامة في الحوادث

و صلاحیت های قضائی را بوجود می آورد و دست محتسب را باز می گذارد. حق دفاع و حق سارنوان و وکیل مدافع را از بین بر میدارد.

تعزیر از نصیحت تا اعدام ارتقاء میکند، بطور مثال اگر تجارت مواد مخدره سبب مشکلات بزرگ برای جامعه شود، قاضی حق اصدار حکم اعدام را زیر نام تعزیر میداشته باشد. پس اگر تعزیر را از صلاحیت ولی امر مسلمین و قاضی گرفت و به مامورین امر بالمعروف و نهی عن المنکر داد بدون شک فتنه و فساد در جامعه بیشتر شده و بی نظمی اجتماعی بوجود آمده مردم از اصل اسلام دور و به دین الله شک و جرائم اخلاقی از علنی به سری تبدیل میشود و از داخل جامعه را متضرر می سازد.

فصل سوم: تعزیرات

تعزیر توسط محتسب

ماده بیست و چهارم:

تعزیر بواسطه محتسب: این مورد شامل (7) جزء است (توصیه، تخویف (ترساندن) از عذاب الله، تنبیه و تهدید به الفاظ قهرآمیز، حبس از یک ساعت الی بیست و چهار ساعت در محابس عمومی، حبس از یک روز الی سه روز در محابس عمومی، جزایی که محتسب آنرا مناسب بداند و مختص به محاکم نباشد.

احکام مربوط به حجاب زن:

ماده سیزدهم:

حجاب شرعی را قانون اینطور تعریف میکند:

حجاب شرعی به لباسی گفته می شود که تمام بدن و روی زن را از نا محرمان می پوشاند، نازک، کوتاه و چسپ نباشد.

در ماده سیزدهم، احکام مربوط به حجاب لباس زنان اینطور معرفی شده است:

(1) ستر تمام بدن زن لازمی است.

میتوان با دقت به کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم به اطراف موضوع بیشتر توجه نمود. (1) اگر روی زن پوشیده باشد، مردان چشمانشان را از چه پائین اندازند؟ آیه شریفه می گوید: « قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم ویحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم..» (النور: 30). (ای رسول ما) مردان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از کار زشت با زنان) محفوظ دارند که این بر پاکیزگی (جسم و جان) آنان اصلح است.

در آیه دو آیه (30-31 النور)، خداوند سبحانه و تعالی مؤمنین و مؤمنات را یکجا خطاب می کند، و هر دو طبقه را به پوشاندن چشم امر می کند، خداوند امر به حفظ فروج می کند. در هر دو آیه مبارکه توجیه و توضیحات الهی که شامل دستورات اخلاقی و هدف زندگی از دیدگاه دینی می پردازد. در توجیه الهی مردان و زنان اشتراک دارند یا شریک میباشند.

(غض البصر) پوشاندن چشم، معنی آن بسته کردن کامل چشم و پائین انداختن آن بطرف زمین نمی باشد و به همین ترتیب در مورد صوت (آواز) چنانکه در سوره لقمان: 19 « و اغضض من صوتک » ای سخن آرام گو (نه با فریاد بلند). معنی آیه بسته کردن زبان از حرف زدن نیست، و حرف زدن به حکم قرآن کریم عورت نمیباشد و اگر میبود قرآن کریم صریحاً بیان می کرد. غض البصر و غض صوت معنی بسته کردن لبان از حرف زدن و سخن گفتن نیست، معنی غض البصر عدم نظر کردن با شهوت و انحرافات اخلاقی میباشند و آرام گفتن، ادب سخن گفتن را نشان میدهد. نظر انداختن فقط به عورات مردان و زنان در قرآن کریم منع شده. نظر انداختن زن بطرف مرد بغیر از عورت مرد جواز دارد. رسول الله صلی الله علیه وسلم برای عائشه اجازه داد تا احباش

التي تدخل تحت موضوعها { قواعد فقهی اصول کلی فقهی در متون هستند که به عنوان قواعد دستوری عمل می کنند و شامل احکام تشریحی عمومی در رویداد هایی هستند که تحت موضوع آن ها قرار می گیرند.}

برای اثبات لباس اسلامی « حجاب » قانون استنباط به احادیث و اقوال علماء و فقه حنفی می نماید. اما آیات و احادیث و اقوال فقهاء تحلیل و تفسیر موضوعی نشده و اکتفاء به ذکر نص شده است. لازم بود با آیات قرآن کریم و احادیث و اقوال فقهاء که لباس اسلامی را طور دیگر تعریف میکنند مقارنه می شد، و رأی معتدل گرفته می شد.

بطور مثال در ماده (6) نظر کردن مردان بالغ و بیگانه به بدن و روی زنان و نظر کردن زنان بالغ به مردان بیگانه حرام است. نظر کردن مردان را به بدن و روی زنان منع میکند. سؤال در این است اگر روی زن پوشیده باشد چرا نظر کردن مردان ممنوع ساخته شود؟ این ماده با ماده ما قبل در تضاد است.

عدم فهم از نصوص اسلامی عیب و مشکل نیست، اما خطأ در تفسیر نصوص مشکلات را بوجود می آورد. آنانکه اراده دارند تا خدمت اسلام و مسلمین را کنند لازم است تا از خطأ که سبب انحراف امت اسلامی میشود اجتناب نمایند و رأی را انتخاب کنند تا اسلام بصورت واقعی به جهانیان معرفی شود.

عده باین عقیده اند که اسلام زنا را حرام ساخت، و کشف روی سبب زنا می شود، لذا باید روی زن پوشیده باشد. امام محمد الغزالی معاصر این رأی را مناقشه و تحلیل کرده می نویسد: اسلام کشف روی زن را در وقت (احرام)، عمره و حج و اوقات نماز جواز می داند و باید در حج و طواف و در اوقات نماز روی زن آشکار باشد یعنی پوشیده نباشد. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در مناسبات عمومی مانند جشن ها، رویداد های دینی و فرهنگی و مساجد و بازار روی زنان را مکشوف می دید و امر به پوشاندن آن نمی کرد.

لعنت خدا را بر دروغ‌گویان بخوانیم (این نوع دعا مباحله گفته می‌شود). نقطه مهم در آیه مبارکه که ارتباط به بحث ما دارد دعوت زنان در مجلس عمومی با مردان میباشد، به عبارت دیگر اختلاط بین زنان و مردان در مکان واحد. احادیث زیاد است که فاطمه رضی الله عنها با مردان در تعامل در حدود شریعت بود.

در یکی از عیدها رسول اکرم صلی الله خطبه ایراد کردند و راجع به شکایت زنان از شوهران شان صحبت داشتند، روای حکایت می‌کند که زنان زیورات شان را صدقه کردند و در چادر بلال انداختند، روای می‌گوید که زنان (سفعاء الخدین) بودند یعنی رنگ روی شان بین سرخی و سیاهی بود. اگر روی زنان پوشیده می‌بود، از کجا فهمیده شد که رنگ روی شان چه نوع است.

روایت کرده شیخان (البخاری و مسلم) از سهل بن سعد رضی الله عنه: زنی نزد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: یا رسول الله آدمم تا نفس خود را برای شما اهداء کنم، رسول صلی الله علیه وسلم بطرفش دید و او را پسند نکرد. در یک روایت دیگر یکی از صحابه با او ازدواج کرد. سؤال در این است اگر زن با نقاب و رویش پوشیده می‌بود از کجا رسول الله صلی الله علیه وسلم میدانست که زن چه شکل دارد.

رسول صلی الله علیه وسلم برای جوانی که اراده ازدواج با دختری از انصار را داشت گفت: «أَنْظُرْ إِلَيْهَا فَإِنَّ فِي أَعْيُنِ الْأَنْصَارِ شَيْئًا». بطرفش نظر انداز، زیرا در چشمان انصار چیزی است. چشمان دختران انصار بسیار کوچک بود. اگر دیدن در اسلام منع می‌بود، آیا رسول اکرم صلی الله علیه وسلم جوان را متوجه چشمان دختر می‌ساخت. آیا دیدن بطرف چشمان دختر در صورتیکه روی زن پوشیده باشد امکان دارد؟.

که در مسجد نبوی بازی میکردند نظر اندازد. همچنان مرد به آن قسمت از جسم زن که عورت نیست مثل روی و هر دو کف دست و دو کف پا نظر اندازد اما نظر انداختن در دایره اخلاق و دور از شهوت باشد. { برای معلومات بیشتر مراجعه شود، سایت القرضاوی، 2024/2/9 }.

آیا مردان از برقه و نقاب چشمان شان را پائین اندازند؟ بستن چشم یا نگاه کردن به نا محرم زمانی است که روی باز باشد چنانکه در حدیث شریف آمده: قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - لعلى رضى الله عنه: «يا على لا تتبع النظرة النظرة، فإن لك الأولى و ليست لك الآخرة». ای علی یک نظر، نظر دیگر را تعقیب نکند، برای تو نظر اول است و نظر دوم نیست. آیه فوق و حدیث مبارک برای زنان جواز می‌دهد تا روی شان را نپوشانند و برای مردان توصیه و امر میکند تا چشمان شان را از نظرات شهوانی حفظ کنند و بطرف زنان نا محرم با احترام و ادب نظر اندازند.

گروه که دیدن مرد بطرف زن و زن بطرف مرد را منع میکنند از یک حدیث «لا يراها رجل» او را (زن را) مرد نبیند.

حدیث فاطمه بنت رسول صلی الله علیه وسلم که سؤال کرد: چه چیز خیر برای زن است؟ گفت: مرد را نبیند و مرد او را نبیند. حدیث نه تنها سند آن ضعیف است بلکه معنی آن با ده ها حدیث دیگر در تعارض میباشد، همچنان در تعارض با نص صریح قرآن کریم است. قول الله متعالی: «فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءكم و نساءنا و نساءكم و أنفسنا و أنفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله على الكاذبين» (آل عمران: 61). و هر که با تو (در باره عیسی) به مجادله پردازد بعد از آنکه (به احوال او) آگاهی کامل یافتی، در آن صورت بگو، بیایید فرزندان ما و شما، و زنان ما و شما و خود ما و شما را فراخوانیم و سپس با تضرع و التجاء به درگاه خداوند دعا کنیم و

ابو السنابل در جمله محارم او نبود. اگر روی سبیه پوشیده می بود ابو السنابل از کجا آرایش او را می دید. این حکایت بعد از حج الوداع بود باین معنی که حکم عدم پوشاندن روی و زینت یا آرایش منع نشده. { محمد الغزالی ، السنة النبوة بین أهل الفقه و الحديث ، صفحات 48-49}.

خانمی در مسجد نبوی به حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم حاضر شد و از شوهر خود شکایت داشت. رسول الله صلی الله علیه وسلم متوجه شد که صحابه به تعجب بطرف زن می بینند. بعد از خارج شدن زن از مسجد، پیامبر از حاضرین سبب تعجب شان را پرسیدند، صحابه جواب دادند یا رسول الله چرا این زن روی خود را پوشانده بود.

این حکایت دلیل برین است که نقاب در عصر نبوت یک امر غیر طبیعی بود. اگر نقاب و ستر روی امر دینی می بود ، صحابه تعجب نمی کردند و برای زن نمی گفتند که آمدی تا از پسرت سؤال کنی و نقاب پوشیدی.

{ادامه در شماره آینده . این عنوان بصورت یک کتاب مستقل طبع می شود. برای نشر آن به صدقه ضرورت است}.

بررسی قانون وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر در صد صفحه عنقریب از طبع بیرون می شود.

قیمت کتاب ده دالر و قیمت پست بر آن اضافه میشود.

Fazl Ghni Mogaddedi
201 Washington Blvd # 104
Fremont , ca 94539
U.S.A

Tel (510)979-9489
510-673-5264

fazlghanimogaddedi@yahoo.com

islaminfo,one
aamo-usa.com

{ سید سابق ، فقه السنه ، جلد 2 ، صفحه 19} از موسی بن عبدالله از ابو حمید روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « هر گاه خواستید از دختری خواستگاری کنید ، مانعی ندارد که او را ببینید و به او نگاه کنید».

{دکتر وهبه زحیلی ، فقه خانواده در جهان معاصر، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی ، ص 76. همچنان: فضل غنی مجددی ، ازدواج و تربیه در فکر معاصر اسلامی ، امریکا 2018 ، افغانستان 2020}.

صحابه از پوشیدن نقاب تعجب می کردند عائشه رضی الله عنها روایت می کند که زنان نماز فجر را با رسول الله صلی الله علیه وسلم با جماعت اداء میکردند و اگر تاریکی فجر نمی بود رنگ و چهره روی شان معلوم میشد. باین معنی که تاریکی شب و فجر مانع دیدن روی زنان میشد ، نه پوشاندن روی.

ابو داود از قیس بن شماس رضی الله عنه روایت می کند که گفت: زنی با اسم « أم خلد » که نقاب داشت نزد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم آمد تا راجع به پسرش که در یکی از غزوات کشته شده بود سؤال کند. بعض صحابه برای زن گفتند: آمدی تا از پسرت سؤال کنی اما چرا نقاب پوشیدی. این روایت دلیل بر این است که نقاب برقه در جمله عبادت و رسم دین نبود.

آزادی و آرایش روی را در عصر رسالت امام مسلم از قصه « سبیه بنت الحارث » به این عبارات روایت میکند: سبیه بنت الحارث حامله بود که بیوه شد ، بعد از ولادت طفل برای نامزدی و ازدواج جدید آرایش کرد ، در این وقت «ابو السنابل ، یکی از اصحاب به منزلش داخل شد و پرسید: اراده داری تا ازدواج کنی ؟ بخدا قسم که ازدواج کرده نمی توانی تا 4 ماه و 10 روز از عدت سپری نشود. سبیه نزد رسول صلی الله علیه وسلم رفت و موضوع را بمیان گذاشت ، رسول الله صلی الله علیه وسلم جواب داد: بعد از ولادت طفل میتوانی ازدواج کنی. سبیه سرمه و عطر استفاده کرده بود ، و